

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

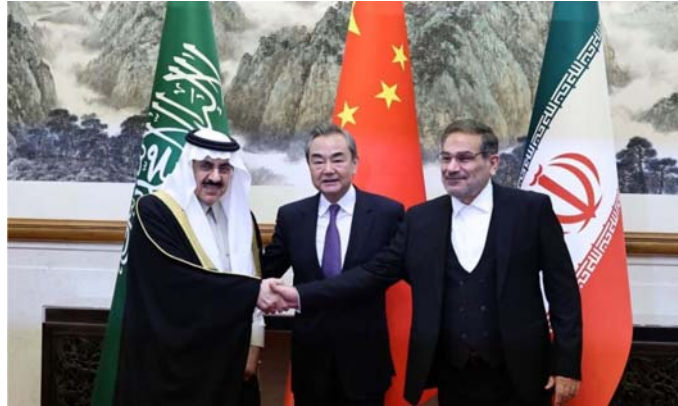
سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین (DMITRY MININ)

برگردان: ا.م. شیری

۲۹ مارچ ۲۰۲۳

## تثبیت خاورمیانه به سبک چینی، جایگزین «بهار عربی» به سبک امریکائی



### بیجینگ به بستن شکاف چندین صد ساله بین سنی‌ها و شیعیان کمک می‌کند

سلطه آمریکا یا آنطور که اغلب گفته می‌شود، رهبری امریکا در بسیاری از نقاط جهان بر اساس فرمول قدیمی و ساده، اما همچنان بر پایه «تفرقه بینداز و حکومت کن»، که امریکائی‌ها از امپراتوری انگلیس به ارث برده‌اند، استوار بود. دریا‌های خون، میلیون‌ها مرگ پس از جنگ جهانی دوم در هسته آن نهفته است. ستراتیژی چین، هر چند بدون ادعا در راه تبدیل شدن به رهبر بعدی جهان است، بر اصول متضادی استوار است. این‌ها هنجارهای باستانی کنفوسیوس «مدیریت صالح» و پایبندی دقیق به قوانین نیستند. این که کدام یک از این دو ستراتیژی: «شمشیر» یا «شاخه زیتون» برای مردم جهان مفیدتر است، آشکارتر می‌شود.



چین، به نوعی نامرئی برای بسیاری‌ها، ابتداء امریکای لاتین را از زیر «دماغ» ایالات متحده بیرون کشید. چین در آنجا نه تنها اولین شریک اقتصادی همه کشورهای قاره، بلکه در حال تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی برجسته است. «چرخش به چپ» کنونی در امریکای لاتین دیگر نه مبتنی بر انگیزه‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی، بلکه بر پایه الگوی موفقیت حزب کمونیست چین در ساختن یک جامعه توسعه‌یافته استوار است. سپس بر اساس تمام شاخص‌های حضور اقتصادی، کل افریقا را «تصرف» کرد و اخیراً، به طرز بسیار ملموس، شاید آخرین میخ را بر تابوت سال‌ها سلطه امریکا در خاورمیانه «کوبید». در اینجا نیز چین ابتداء به بزرگترین شرکای تجاری منطقه (بیش از ۳۰۰ میلیارد دالر در سال ۲۰۲۲) تبدیل شد و اکنون با ابتکارات سیاسی مهمی از این نتایج حمایت می‌کند.

توافقی که در ۱۰ مارچ با میانجیگری چین و در بیجینگ برای عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و ایران، در واقع بین شیعیان و سنی‌های منطقه حاصل شد، در اصل یک انقلاب ژئوپلیتیکی است. نشریات جدی، از جمله The Hill این خبر را «حیرت‌انگیز» خواند. به گفته مؤسسه مطالعات خاورمیانه واشینگتن، نقش چین در تسهیل این توافق، باعث نوعی شگفتی در پایتخت امریکا گردید و برخی را وادار کرد تا اذعان نمایند که «عصر جدید ژئوپلیتیک» آغاز شده و استدلال کنند که این توافق از «همه آنچه که ایالات متحده از زمان به قدرت رسیدن بایدن در منطقه به دست آورده»، فراتر است.

در عین حال، خلاف تحولات لیبرالی که بیش از یک دهه پیش توسط ایالات متحده مطرح شد و در قالب «بهار عربی» کذائی موجب هرج و مرج در منطقه گردید، انقلاب جدیدی که توسط چینی‌ها انجام گرفت، ماهیت صلح‌آمیز و تحکیم‌کننده دارد. به ویژه، ارزیابی پیامدهای انشعاب طولانی مدت شیعه و سنی در جهان اسلام که توسط نسل‌های انگلی استعمارگران، از جمله، امریکائی‌ها ایجاد شده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال، در حالی که امریکائی‌ها با تمام قواء به درگیری‌های منطقه‌نی دامن می‌زنند، اما چینی‌ها آتش این درگیری‌ها را به طور مؤثر خاموش می‌سازند، این ادعای آن‌ها که چینی‌ها به خاورمیانه «نفوذ تهاجمی» می‌کنند، مضحک است.



غربی‌ها می‌خواهند رابطه سنی‌ها و شیعیان منطقه را اینگونه ببینند. اما خود ساکنان منطقه پیشینه درگیری‌ها را اینطور می‌بینند. بایدن گفته است که امریکا هرگز خاورمیانه را ترک نخواهد کرد و «خالئی» را که روسیه یا چین پر خواهند کرد، باقی نخواهد گذاشت و مطرح کرد، که به جز امریکائی‌ها چه کسی می‌تواند صلح و امنیت منطقه را تأمین کند؟ الجزیره می‌نویسد، اما همه چیز دقیقاً به عکس شد. تا زمانی که امریکائی‌ها به کاشتن بذر اختلاف و تفرقه ادامه می‌دادند، کشورهای خلیج‌فارس را با ادعای تهدید فزاینده ایران می‌ترساندند و دستگاه‌های تسلیحاتی خود را گران‌تر بر آن‌ها تحمیل می‌کردند، چین با شاخه زیتون به طرف همه آن‌ها آمد. «بیجینگ خلاف میل واشنگتن، تهران و ریاض را آشتی

داد». امریکائی‌ها طوطی‌وار تکرار می‌کنند که آماده هستند از همه در مقابل تهدیدات ایران محافظت کنند، غافل از این که دیگر کسی به آن نیاز ندارد و واقعیت جدیدی در منطقه پدیدار شده است که چنین مدعیات در آن نمی‌گنجند. این که ساکنان منطقه چه راهی را ترجیح می‌دهند، حاکمان سعودی در سفر ابتداء رئیس جمهور ایالات متحده و سپس رئیس جمهور چین به این کشور در نیمه دوم سال ۲۰۲۲ هنگام استقبال بسیار محترمانه از شی جین‌پینگ و تمسخر پیچیده شرقی بایدن به وضوح نشان دادند.



کارشناسان امریکائی تلاش می‌کنند تا به خود بقبولانند که امضای توافقنامه بین عربستان و ایران برای مصالحه و برقراری روابط دیپلماتیک هنوز قابل اثبات نیست.

با این حال، اکنون دیگر روشن است که این یک بخش از داستان نیست، بلکه، یک تغییر عمده در روابط درون منطقه‌ای است. در حال حاضر، فرآیندهای آشتی گسترده ناشی از این توافق در سراسر خاورمیانه در حال شروع است. وزراء و فرستادگان کشورهای متخاصم سابق در همه جا با یک دیگر ملاقات می‌کنند و برای اجتناب از رویارویی به توافق می‌رسند. پایان جنگ در یمن، به رسمیت شناختن سوریه توسط تقریباً کل جهان عرب، عادی‌سازی روابط شیعه و سنی در عراق و غیره اعلام شد. در ۱۹ مارچ، مقامات ارشد دستگاه‌های امنیتی ایران و عراق توافقنامه همکاری امنیتی تهران و بغداد را با حضور محمد شیاع السودانی، نخست وزیر عراق امضاء کردند. قرار است با نظارت چین، اجلاس گسترده‌تری میان ایران و شورای همکاری شش کشور حاشیه خلیج فارس در اواخر سال جاری به منظور ایجاد یک نظم امنیتی منطقه‌ای «بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای» (بخوانید: بدون حضور امریکا) برگزار شود.

فارین افرز، نشریه پیشرو سیاست خارجی ایالات متحده معتقد است که اشتباه محاسباتی سیاست منطقه‌ای کاخ سفید این بود که آن را عمدتاً بر مشکل آشتی نزدیکترین متحد خود، اسرائیل با همسایگانش تحت «توافق ابراهیم» متمرکز کرد. واشنگتن ترجیح داد دشمنی بین بقیه کشورهای خاورمیانه را حفظ کند تا از آن‌ها در برابر یک دیگر محافظت کند. برخی از دانشمندان علوم سیاسی امریکائی این را «ستراتژی پدرخوانده» می‌نامند. اما چین با نگاه وسیع‌تر به اوضاع، پیروز شد.

واشنگتن پست به نقل از هنری کیسینجر می‌نویسد که او معتقد است توافق تهران و ریاض در بیجینگ نشان‌دهنده «تغییر قابل توجه وضعیت استراتژیک در خاورمیانه» است. و مطمئناً اوضاع را برای اسرائیل پیچیده‌تر خواهد کرد که از این پس، «باید منافع چین را در نظر بگیرد». وی همچنین افزود که این توافق گام مهمی برای بیجینگ در تلاش‌هایش برای تأثیرگذاری بر شکل‌گیری نظم نوین جهانی است.

امریکائی‌ها سعی می‌کنند با این واقعیت خود را دلداری دهند که از سوی دیگر چین نمی‌تواند مدت زیادی در منطقه با خودشان رقابت نظامی کند. در انجام این کار، آن‌ها دو عامل را نادیده می‌گیرند. اولاً با برقراری «آرامش» در منطقه، نیاز به حضور نیرومند امریکا در خاورمیانه، که با توافقات بین‌دولتی مهر و موم شده، از بین خواهد رفت. اکنون

نخبگان محلی متوجه هستند و با گذشت زمان حتی بیشتر متقاعد می‌شوند که حضور ارتش ایالات متحده منبع اصلی تشنج در منطقه است. بنابراین، پیش‌بینی تقاضای بازنگری معاهدات مربوطه از سوی آنها آسان است. ثانیاً، نادیده گرفتن آنها نیز به عنوان عامل دوم، دشوار خواهد بود. به ویژه، حمایت فعال روسیه از طرح صلح چین در خاورمیانه، که در سفر اخیر شی جین‌پینگ به مسکو تأیید شد. روسیه تنها یک شریک کوچک برای اقدامات بیجینگ در منطقه نیست، بلکه، یک متحد مهم است. روابط هموار و با دقت تنظیم‌شده روسیه با تمامی کشورهای خاورمیانه، از جمله، ایران و عربستان سعودی، نزدیکی به منطقه و قدرت نظامی این کشور وزن قابل توجهی در این معادله ستراتیژیک دارد. علاوه بر این، مسکو و بیجینگ در مسائل اصلی مانند مشکلات خاورمیانه، حل و فصل و تحکیم آنها فقط از طریق آشتی، نه از راه ایجاد تفرقه و هرج و مرج، کاملاً متحد هستند.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۸ فروردین-حمل ۱۴۰۲